

گزارش تحلیلی شاخص مدیران خرید (شامخ) فروردین ماه

۸۸۷۳۰۰۶۰ - ۸۸۷۳۰۰۵۴ - ۸۸۷۵۳۳۷۵ - ۸۸۷۵۳۳۷۶ - ۲۱ (+۹۸)

info@bcr.ir ۲۱ ۸۸۷۵۳۳۷۶ (+۹۸)

bcr.ir

تهران ، خیابان شهید مطهری، خیابان کوه نور، بن‌بست دوم، پلاک ۱۱، طبقه ۴، واحد ۴



این گزارش بر اساس داده‌های رسمی و معتبر تهیه شده است و شامل تحلیل‌های کارشناسی دقیق می‌باشد تا تصویری شفاف از وضعیت اقتصادی ارائه دهد.

تهیه و تدوین گزارش

• تیم کارشناسی اقتصادی: محسن امینی، علی آقانصیر

نظارت و تایید نهایی

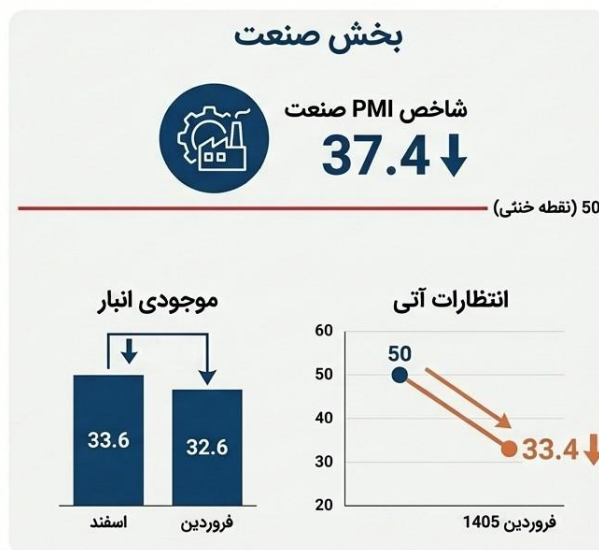
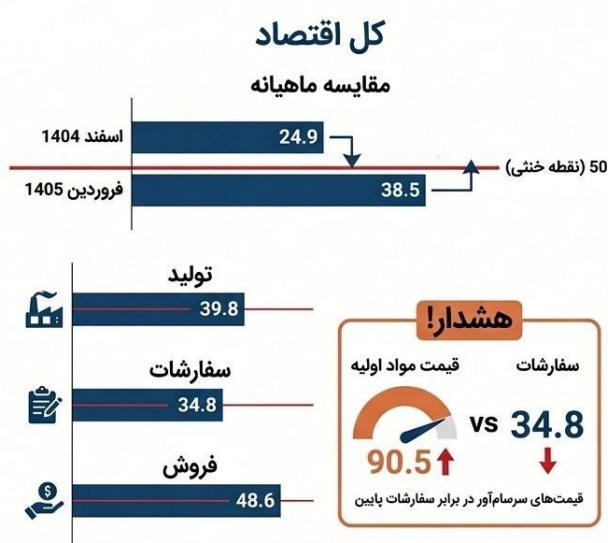
• مدیر مطالعات کلان و جمع‌آوری داده: نسرین باقری

تهیه شده در واحد مطالعات کلان شرکت رتبه بندی اعتباری برهان

شاخص مدیران خرید (شامخ) کل اقتصاد در فروردین ماه ۱۴۰۵ با ثبت رقم ۳۸.۵، افزایش ۱۳.۶ واحدی را نسبت به اسفندماه ۱۴۰۴ (۲۴.۹) نشان می‌دهد. این تغییر مثبت عددی، بیش از آنکه نشان‌دهنده رونق یا خروج از رکود باشد، بیانگر تعدیل تدریجی فعالیت‌ها پس از افت شدید اسفندماه و انطباق بنگاه‌ها با شرایط اضطراری ناشی از تنش‌های ژئوپلیتیک و محدودیت‌های ترابری دریایی است. در واقع، رشد شاخص ناشی از تخلیه اثر پایه منفی ماه گذشته است و استقرار آن در زیر مرز ۵۰، تداوم وضعیت انقباضی را تأیید می‌کند. در این میان، شاخص قیمت خرید مواد اولیه با ایستادن در سطح ۹۰.۵، بازتاب‌دهنده فشار هزینه‌ای بسیار بالا در سمت عرضه است؛ اختلال در مسیرهای مواصلاتی دریایی، هزینه‌های لجستیک و تأمین نهاده‌های وارداتی را به شدت افزایش داده است. از سوی دیگر، شاخص قیمت فروش محصولات (۷۰.۷) فاصله معناداری با قیمت نهاده‌ها دارد که نشان می‌دهد بنگاه‌ها به دلیل ضعف تقاضای مؤثر (شاخص سفارشات جدید: ۳۴.۸) و کاهش قدرت خرید جامعه در شرایط بحرانی، امکان انتقال کامل این شوک هزینه‌ای را به مصرف‌کننده ندارند. از منظر تحلیل اعتباری، این شکاف ساختاری موجب فشردگی حاشیه سود، کاهش جریان وجوه نقد درون‌زا و افزایش نیاز بنگاه‌ها به تأمین مالی کوتاه‌مدت شده است که در صورت تداوم سیاست‌های انقباضی شبکه بانکی، می‌تواند ریسک اعتباری بخش غیردولتی را افزایش دهد.

گزارش شاخص مدیران خرید (PMI) - فروردین ۱۴۰۵

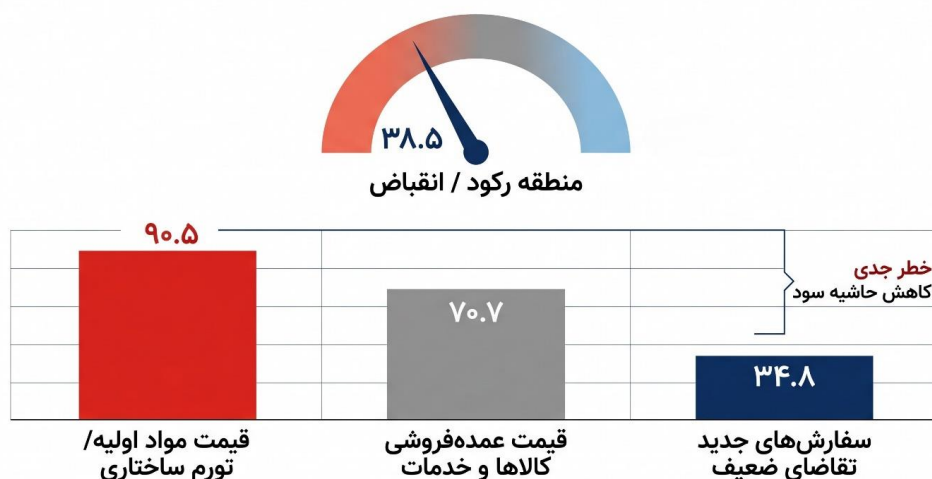
بهبود عددی، سراب خروج از بحران



الف) تحلیل شاخص کل اقتصاد

شاخص مدیران خرید (شامخ) کل اقتصاد در فروردین ماه ۱۴۰۵ به رقم ۳۸.۵ رسیده است که افزایشی معادل ۱۳۶ واحد را نسبت به اسفندماه ۱۴۰۴ (۲۴.۹) نشان می‌دهد. این بهبود عددی عمدتاً ناشی از تخلیه شوک روانی اولیه بروز تنش‌ها در اواخر سال گذشته و انطباق تدریجی ساختار اجرایی کشور با وضعیت اضطراری است، اما استقرار قاطع شاخص در زیر مرز خنثی (۵۰)، تداوم انقباض در کل اقتصاد را تأیید می‌کند. در این دوره، آسیب‌های وارده به برخی زیرساخت‌های کلیدی، ارتباطی در کنار محدودیت‌های ترابری دریایی، به عنوان یک شوک عرضه جدی عمل کرده و کانال‌های توزیع کالا و خدمات را با کندی مواجه ساخته است. این اختلال ساختاری مستقیماً در شاخص قیمت خرید مواد اولیه یا لوازم خریداری شده (۹۰.۵) منعکس شده است؛ به طوری که تخریب زیرساخت‌های ترانزیتی و افزایش هزینه‌های لجستیک جایگزین، بهای تمام‌شده نهاده‌ها را برای بنگاه‌ها به شدت افزایش داده است. در سمت مقابل، شاخص قیمت فروش محصولات (۷۰.۷) فاصله معنادار نزدیک به ۲۰ واحدی با شاخص قیمت نهاده‌ها دارد که نشان می‌دهد به دلیل ضعف شدید تقاضای مؤثر (سفارشات جدید: ۳۴.۸) و تمایل عمومی جامعه به حفظ نقدینگی در شرایط نااطمینانی، امکان انتقال کامل این هزینه‌های ساختاری به زنجیره مصرف وجود ندارد. از منظر تحلیل اعتباری برهان، آسیب به زیرساخت‌ها در کنار ناتوانی در پوشش هزینه‌ها، منجر به فشرده‌گی شدید حاشیه سود حقیقی بنگاه‌ها و کاهش کیفیت جریان وجه نقد درون‌زا شده است. این وضعیت، نیاز شرکت‌ها به اعتبارات اضطراری کوتاه‌مدت را افزایش می‌دهد، در حالی که محدودیت منابع بانکی در شرایط بحرانی، ریسک نقدینگی و ناتوانی در ایفای تعهدات به موقع را در کل اقتصاد تشدید می‌کند.

تداوم رکود در سایه کاهش فعالیت



ب) تحلیل شاخص بخش صنعت

بخش صنعت با ثبت شامخ کل ۳۷.۴ در فروردین ماه، تأثیرپذیری عمیق‌تری را از چالش‌های فیزیکی و امنیتی نشان می‌دهد. قرارگیری تمامی ۱۲ رشته‌فعالیت صنعتی در محدوده انقباض، گواه آن است که اختلالات عملیاتی ماهیتی ساختاری و همه‌جانبه یافته‌اند. صنایع کلیدی مانند صنایع فلزی (۲۹.۲) و صنایع غذایی (۳۰.۵) شدیدترین میزان رکود را ثبت کرده‌اند. ریشه این انقباض عمیق در بخش صنعت، علاوه بر گسست زنجیره تأمین خارجی ناشی از محدودیت‌های دریایی، به دو عامل درون‌مرزی مهم یعنی «آسیب فیزیکی به زیرساخت‌های تولیدی و شبکه انرژی کارخانه‌ها» و «توقف ارادی یا اجباری خطوط تولید به منظور حفظ امنیت جانی نیروی کار در مناطق پرریسک» بازمی‌گردد. تعطیلی حفاظتی کارخانه‌ها برای صیانت از سرمایه انسانی، صدمه مستقیمی به ظرفیت عملیاتی بخش صنعت وارد کرده و شاخص تولید را در سطح نازل ۳۸.۶ نگه داشته است. این وقایع سبب شده شاخص موجودی مواد اولیه صنعت به رقم ۳۲.۶ کاهش یابد، چرا که آسیب به بازارهای واسطه‌ای و توقف تولید کارخانه‌های بالادستی، جریان تأمین قطعات را قطع کرده و شرکت‌ها را ناچار به مصرف ذخایر استراتژیک انبارها نموده است. شاخص فروش صنعتی (۴۱.۳) و صادرات (۳۹.۸) نیز تحت تأثیر توقف تولید کارخانجات اساسی و انسداد مسیرهای حمل کالا، روندی کاهشی داشته‌اند. در مجموع، صدمه به دارایی‌های ثابت و توقف‌های حفاظتی، ریسک عملیاتی بخش صنعت را به شدت افزایش داده و پایداری تولید کارخانه‌ای را منوط به بازسازی زیرساخت‌ها و استقرار ثبات محیطی کرده است.



در این بخش تغییرات ماهانه داده‌های تعدیل شده برای هر دو بخش بررسی می‌شود:

شاخص تعدیل شده	کل اقتصاد (اسفند)	کل اقتصاد (فروردین)	تغییر	صنعت (اسفند)	صنعت (فروردین)	تغییر	تحلیل مقایسه‌ای
شامخ کل	۲۴.۹	۳۸.۵	+۱۳.۶	۲۶.۲	۳۷.۴	+۱۱.۲	هر دو شاخص جهش عددی داشته‌اند، اما به دلیل ماندن زیر مرز ۵۰، رکود در اقتصاد و صنعت تداوم دارد.
تولید یا ارائه خدمت	۱۵.۴	۳۹.۸	+۲۴.۴	۲۴.۳	۳۸.۶	+۱۴.۳	شدت افت تولید نسبت به اسفند به شدت کاهش یافته، اما فعالیت‌ها هنوز وارد ناحیه بهبود (بالای ۵۰) نشده‌اند.
سفارشات جدید	۲۱.۲	۳۴.۸	+۱۳.۶	۱۳.۹	۳۷.۴	+۲۳.۵	افزایش قابل توجه در بخش صنعت، با این حال سطح هر دو شاخص نشان‌دهنده تداوم ضعف تقاضای مؤثر است.
فروش	۱۹.۶	۴۸.۶	+۲۹.۰	۱۹.۱	۴۱.۳	+۲۲.۲	فروش کل اقتصاد به مرز خنثی (خدمات/تجارت) نزدیک شده، اما وضعیت فروش در بخش صنعت همچنان ضعیف‌تر و نگران‌کننده است.
قیمت مواد اولیه	۸۴.۰	۹۰.۵	+۶.۵	۸۷.۱	۸۱.۳	-۵.۸	فشار تورمی و هزینه‌ای در کل اقتصاد شتاب گرفته و در بخش صنعت نیز همچنان در سطح بحرانی بالا تثبیت شده است.
انتظارات آینده	۵۰.۳	۳۳.۴	-۱۶.۹	۴۸.۴	۳۲.۲	-۱۶.۲	سقوط آزاد انتظارات: علی‌رغم بهبود عددی شاخص‌های فعلی، فعالان اقتصادی هر دو بخش به شدت نسبت به ماه آینده بدبین شده‌اند.

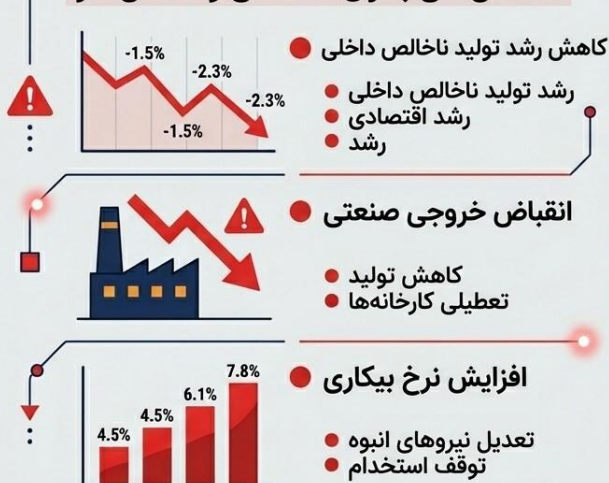
ارزیابی روند میان مدت نماگرهای ترکیبی شامخ فروردین ماه، حاکی از حرکت بنگاه‌های اقتصادی به سمت استراتژی‌های انقباضی و تدافعی برای سازگاری با تکانه‌های شدید فیزیکی و محیطی است. در این میان، شاخص استخدام نیروی انسانی در کل اقتصاد (۴۰.۱) و به‌ویژه در بخش صنعت (۳۶.۸) با انقباض معناداری مواجه شده است که ریشه‌های تحلیلی آن را می‌توان در سه عارضه ساختاری و هم‌زمان جستجو کرد.

- **الف) آسیب به زیرساخت‌ها و مخاطرات امنیتی مستقیماً منجر به توقف عملیات فیزیکی شرکت‌ها در مناطق پرریسک شده است؛ این توقف عملیاتی، زنجیره گردش مالی و روند فروش بنگاه‌ها را کاملاً قفل کرده و در غیاب جریان نقدی ورودی، شرکت‌ها توانایی مالی لازم برای پوشش هزینه‌های دستمزد را از دست داده‌اند.**
- **ب) توقف‌های ناخواسته کسب‌وکار و عدم وضوح در مورد زمان پایان تنش‌ها، دیدگاه صاحبان سستی کسب‌وکار را به طور ریشه‌ای دگرگون ساخته و آن‌ها را به سمت یک فاز محافظه‌کاری شدید سوق داده است؛ این نااطمینانی عمیق موجب شده تا اولویت مدیران از «توسعه ظرفیت» به «بقا در وضعیت موجود» تغییر یابد که خروجی عینی آن، انجماد فرآیند جذب نیرو و تعلیق قراردادهاست.**
- **ج) بحران لجستیک دریایی و اختلال در بازارهای بالادستی، گلوگاه شدیدی در تأمین مواد اولیه ایجاد کرده و رشد سرسام‌آور بهای تمام‌شده نهاده‌ها را رقم زده است؛ در شرایطی که بنگاه‌ها کنترلی بر قیمت نجومی مواد اولیه ندارند، ناگزیرند تراز مالی خود را از طریق کاهش هزینه‌های متغیر بخش نیروی کار متعادل سازند.**

برآیند این فشارهای سه‌گانه بر بازار کار، در کنار ریزش شاخص‌های مصرف انرژی صنعتی (۴۰.۷) و کندی سرعت تحویل سفارشات (۳۹.۶)، زمینه را برای بروز یک ناامیدی عمیق در میان فعالان اقتصادی فراهم کرده است. مظهر این ناامیدی، سقوط آزاد شاخص انتظارات فعالیت اقتصادی برای ماه آینده در کل اقتصاد (۳۳.۴) و در بخش صنعت (۳۲.۲) است. از دیدگاه ارزیابی اعتباری برهان، تداوم هم‌زمان توقف فروش، رشد سرسام‌آور هزینه‌ها و بدبینی به آینده، پتانسیل ثروت‌آفرینی حقیقی شرکت‌ها را فرسوده می‌سازد؛ فرآیندی که در صورت عدم بازسازی سریع زیرساخت‌ها و عدم تخصیص خطوط اعتباری اضطراری توسط شبکه بانکی، قطعاً به جهش ناگهانی شاخص مطالبات غیرجاری و تضعیف شدید رتبه اعتباری بنگاه‌های تولیدی منجر خواهد شد.

بحران اقتصادی و کاهش بازار کار | استراتژی بقای شرکت‌ها

شاخص‌های بحران اقتصادی و کاهش کار



استراتژی‌های بقای شرکتی

